

مُخبر: سال گذشته، سفره مردم را مدیریت کردیم!



مجازی نیز به مقایسه رفتار تندروها در موارد مشابه، در دولت حسن روحانی و ابراهیم رئیسی پرداختند.

واکنش‌های بین‌المللی

سفارت روسیه در تهران در بیانیه‌ای ضمن محکوم کردن حمله اسرائیل به بخش کنسولی سفارت ایران در دمشق آن را نقض فاحش تمام میانی حقوق بین‌الملل دانست. در بخشی از این بیانیه آمده است: «حمله رژیم صهیونیستی به سفارت ایران در سوریه می‌تواند باعث تشدید تنش‌ها در خاورمیانه که آستان پیامدهای غیرقابل پیش‌بینی است، شود. «آنتونی بلینکن، وزیر خارجه آمریکا که در پاریس به سر می‌برد، در یک نشست خبری اعلام کرد که کشورش در حال به دست آوردن جزئیات حمله به کنسولگری ایران در دمشق است. همچنین یک رسانه آمریکایی مطرح کرد که یک مقام شورای امنیت ملی آمریکا می‌گوید کاخ سفید در حمله رژیم صهیونیستی به ساختمان کنسولگری سفارت ایران در دمشق نقش نداشته و رژیم صهیونیستی تنها در دقایق آغازین این عملیات متجاوزانه و بدون ارائه جزئیات به آن‌ها اطلاع داده است.

روسیه، چین، لبنان، عمان، سوریه، قطر، کویت، ونزوئلا، مصر و عربستان سعودی از جمله کشورهایی هستند که حمله اسرائیل را محکوم کردند. حکومت طالبان نیز اقدام اسرائیل را نقض آشکار موازین دیپلماتیک دانست. سخنگوی دبیرکل سازمان ملل متحد نسبت به این حمله ابراز نگرانی و مطرح کرد که چنین اقداماتی پیش از این از سوی سازمان ملل محکوم شده است. آنتونیو گوتش، دبیرکل این سازمان نیز حمله اسرائیل را محکوم کرد. اروپایی‌ها نسبت به این حمله و واکنش احتمالی ایران ابراز نگرانی کردند. سخنگوی ارشد کمیسیون اروپا ضمن اعلام نگرانی این اتحادیه از وضعیت پیش آمده، خواستار خویشتن‌داری تهران در پاسخ به حمله اسرائیل به کنسولگری دمشق شد. پتر استانو گفت: «موضع ما این است که در شرایط بسیار پر تنش منطقه، نشان دادن خویشتن‌داری واقعاً از اهمیت بالایی برخوردار است، زیرا تشدید بیشتر در منطقه به نفع هیچ‌کس نیست.»

واکنش ایران سنجیده خواهد بود

جعفر قناباشی، کارشناس مسائل خاورمیانه



در باره رعل حمله اسرائیل به کنسولگری ایران در دمشق به خبرنگار «هم‌میهن» گفت: «اگر رژیم صهیونیستی را تحلیل کنیم، دلایل و انگیزه‌های این حمله را به دست می‌آوریم. شرایط اسرائیل به اعتراف برخی مقامات‌شان، رنگ خطر فروپاشی دولت صهیونیستی را به صدا درآورده است. حتی به صورت غیرمستقیم تهدید کرده بودند که اگر دولت صهیونیستی مورد تهدید و خطر قرار بگیرد، حاضر به استفاده از سلاح اتمی هستند. لذا آن‌ها در بن‌بست بسیار دشواری گیر کرده‌اند، راه‌شان از هر طرف بسته است. از لحاظ سیاسی مطمئن بودند که آمریکایی‌ها از آن‌ها تمام‌قد حمایت می‌کنند اما در آخرین قطعه‌نامه آتش‌بس با عدم اعمال وتو از سوی آمریکایی‌ها مواجه شدند. چراکه وتوی مجدد یک قطعه‌نامه از سوی آمریکا، باعث واکنش‌های گسترده به خصوص از طرف کشورهای منطقه می‌شود. اسرائیلی‌ها خواهان ادامه جنگ و ورود به رفح هستند اما آمریکایی‌ها با این مسئله مخالفند. فرماندهان ارتش اسرائیل هم موافق ورود به رفح نیستند و به‌طور علنی اعلام کردند که ما توان درگیری زمینی در رفح را نداریم. یکی از خطراتی که اسرائیل با آن مواجه است، واکنش مردم کشورهای عربی همسایه مانند اردن است که ممکن است توده‌هایی از آنان به سمت سرزمین‌های اشغالی حرکت کنند. این خطر ممکن است از سوی مصر یا اردن، سرزمین‌های اشغالی را تهدید کند. اسرائیلی‌ها از لحاظ سیاسی، اقتصادی، امنیتی و نظامی در فشار هستند و برای باز کردن یک راه تنفس و خروج از این بن‌بست دست به چنین حمله خطرناکی زدند. «قناباشی اضافه کرد: «یکی از ابراهیدهای اسرائیل تلاش برای کاهش توان ایران است که باید مدنظر ما قرار بگیرد. حذف هر مهره فعال و توانمند ایران از نظر آنان کاهش توان ایران و جبهه مقاومت در منطقه است. از سوی دیگر با پایان محاصره بیمارستان شفا و فجایی که اسرائیلی‌ها در این محل رقم زدند، صهیونیست‌ها می‌توانند با یک موج جدید نفرت و محکومیت روبه‌رو شوند. می‌توانیم این طور بگوییم که حمله اخیر اسرائیل به نوعی صحنه را عوض کرد. تمرکزها را از بیمارستان شفا برداشت و از سوی دیگر برخی چهره‌های بلندمرتبه نظامی ایران را نیز به شهادت رساند. این حمله نشان‌دهنده قدرت اسرائیل نیست بلکه از روی استیصال است.»

این تحلیلگر مسائل منطقه در باره پاسخ ایران به حمله اسرائیل، اظهار داشت: «تجر به نشان داده است که ایران سنجیده عمل خواهد کرد. همان طور که ایران در واکنش به ترور سردار سلیمانی، نسبت به اقدام آمریکایی‌ها سنجیده عمل کرد. در خصوص این حمله نیز باید گفت که ایران وارد عرصه مدنظر اسرائیل نخواهد شد. خواست اسرائیلی‌ها این است که ایران واکنشی نشان دهد که به نفع آنان باشد اما ایران همان طور که در ۶ ماه گذشته و در جریان جنگ در غزه سنجیده و عقلانی عمل کرده، در این برهه نیز عاقلانه رفتار خواهد کرد. واکنش ایران به گونه‌ای خواهد بود که اسرائیل توانایی بهانه‌جویی نداشته باشد.»

ادامه از صفحه اول

است. زیرا فرض درگیری مستقیم را کمرنگ می‌کند اما نکته اینجاست که آیا در این شرایط بازار به لحاظ رونق و حجم خوب خواهد بود؟ این کارشناس بازار سرمایه با اشاره به اینکه سیاست و تصمیمات دولت و بانک مرکزی در بازار سهام و بازارهای مالی اثرگذار خواهد بود، تأکید کرد: «اگر این سیاست‌ها همانند سال گذشته باشند شاهد بازار بی‌رقم خواهیم بود هر چند به نظر نمی‌رسد سیاست دولت رونق بازار بورس باشد؛ با وجود شعاری که می‌دهد؛ با این حال در بازارهای موازی بورس، وضعیت متفاوت خواهد بود. در حال حاضر دولت کسری ۴۴۰ همتی (هزار میلیارد تومانی) دارد و این کسری بودجه نوبت تورم بالایی را می‌دهد. زمزمه‌هایی مبنی بر اینکه دولت افزایش قیمت دلار پدیدآورده است، به گوش می‌رسد؛ بنابراین بازارهای موازی رونق خواهند داشت.»

بازار سهام ایران در شرایط عدم تعادل است

پیمان مولوی، کارشناس بازار سرمایه در باره علل ریزش بازار بورس بعد از حمله به کنسولگری ایران در دمشق با تأکید بر اینکه علت این ریزش را نباید صرفاً سیاسی دید، به هم‌میهن گفت: «بزرگترین خیانت به بورس در سال ۱۳۹۹ رخ داد زیرا در این سال به دلیل شرایط اقتصادی خاص در کشور از این بازار استفاده ابزاری شدند؛ به طوری که مردم از مردم عادی دعوت شد تا به این بازار ورود کنند زیرا ریسکی وجود ندارد. ورود زیاد افراد حقیقی به این بازار بدون اینکه شناختی از این بازار داشته باشند در کاهش نرخ بهره بانکی و افزایش نرخ بهره بین‌بانکی موجب شد تا شاهد عدم تعادل در بازار سهام باشیم که تاکنون ادامه دارد.» او با تأکید بر اینکه بازار سهام ایران در شرایط عدم تعادل است، تصریح کرد: «این یعنی افرادی در بازار حضور دارند که به دنبال سودشان هستند و می‌خواهند زیان‌شان را در سال‌های گذشته جبران کنند. این افراد چشم‌اندازشان به بازار کوتاه‌مدت بوده و بازار سهام را بازاری برای حفظ سرمایه نمی‌دانند. همچنین اگر از بُعد اقتصاد دستوری به بازار نگاه کنیم، شاهد فشارهای متعدده صنایع هستیم؛ به طوری که شرکت‌های فعال در بازار سهام توان سرمایه‌گذاری به دلیل وجود ریسک‌های متعدد را ندارند.» این کارشناس بازار سرمایه با تأکید بر اینکه در شرایط کنونی بازار سهام نسبت به بازار دلار، طلا و سکه جذابیت لازم را برای سرمایه‌گذاری ندارد، بنابراین روند عدم تعادل آن ادامه‌دار شده است، اظهار کرد: «در حالی که امید می‌رفت شاخص بازار سهام چهار میلیون واحد باشد این شاخص در کانال دو میلیون واحد متغیر مانده است زیرا خروجی و حرکت نقدینگی به سمت بازارهای طلا، دلار و خودرو است. مشکل دیگر که حقیقی‌ها با آن درگیر هستند، کاهش تقاضا در کسب‌وکارها است که موجب شده سود شرکت‌ها نیز کاهش یابد.» مولوی افزود: «چشم‌انداز بازار سهام، چشم‌انداز خاصی نیست البته این به معنای آن نیست که بازار سهام از تورم ممکن است عقب بماند. ممکن است از تورم جلو بیفتد اما باید رکورد چهار هزار واحد را شاهد باشیم تا به نقطه موازی سایر بازارها به لحاظ بازده نسبت به سال ۱۳۹۹ برسد.» مولوی در پاسخ به این سوال که با تشدید شرایط سیاسی در چند روز آینده بازار ریزش بیشتری خواهد داشت؟ گفت: «با تشدید تنش، متأسفانه شاهد ریزش بیشتری خواهیم بود چرا که ناخودآگاه سهام‌دارانی که سال‌های قبل آمده‌اند و پس‌اندازهای ریز خود را به این بازار منتقل کردند، ریسک‌گریز هستند و سریع از این بازار خارج می‌شوند.»

با وجود ریزش شاخص سیگنال مثبت بود

محمد رضا علمي، کارشناس بازار سرمایه بیان اینکه ریزش روز گذشته بورس متأثر از اتفاقی بود که در دمشق رخ داد، به هم‌میهن گفت: «با شروع سال جدید شاخص بازار بورس مثبت بود اما این مثبت بودن به معنای رشد شاخص نبود زیرا در ایام تعطیلات بودند. اگر حمله به کنسولگری ایران رخ نمی‌داد شاخص روز گذشته تعیین کننده بود اما با توجه به این رخداد، بازار منفی شد. البته باید به این نکته توجه کنیم که در ابتدای روز گذشته بازار سرمایه ۲۲ هزار واحد منفی بود اما در نهایت بازار ۱۵ هزار واحد به اتمام رسید و صف‌های فروش بسیاری از سهام‌ها جمع شد. بنابراین سیگنال مثبتی بر مثبت بودن دریافت کردیم.» او بیان اینکه برخلاف بازار بورس، شاهد رشد در بازارهای موازی همچون طلا، سکه و دلار بودیم، ادامه داد: «این سیگنال بدین معناست که بازار در روزهای آتی می‌تواند مثبت باشد اگر ریسک مسائل منطقه‌ای کاهش یابد و حتی در بازه زمانی یک‌ماهه احتمال رشد بازار را خواهیم داشت اما اگر ریسک ادامه‌دار شود و منجر به واکنش و پانیک ایران باشد، شاهد ریزش بازار خواهیم بود. البته ایران بررسی موضوع را به شورای امنیت برده است و این بدین معناست که دوست ندارد در عرصه تعادل شود و این سیگنال مثبت به بازار»

به آمریکایی‌ها را دریافت کرده است. همچنین برخی شخصیت‌های سیاسی کشورمان طی یک روز گذشته نسبت به حمله اسرائیل واکنش نشان دادند. علی مطهری، نماینده ادوار مجلس در شبکه ایکس نوشت: «شهادت برای سرداران و افسرانی که در کنسولگری ایران در سوریه به لقاءالله رفتند آرزو بوده است اما برای ما خسران است. چرا باید این عزیزان در تیررس رژیم اشغالگری که به هیچ‌قانون بین‌المللی پایبند نیست، اجتماع پیدا کنند؟» علی ششمخانی، دبیر پیشین شورای عالی امنیت ملی و مشاور سیاسی رهبری نیز نوشت: «رژیم صهیونیستی به عنوان ارتش نیابتی آمریکا در منطقه با حمله به کنسولگری ایران در دمشق مرتکب حماقتی شده که باید تاوان آن را پس بدهد. مطلع بودن یا نبودن واشنگتن از قصد اسرائیل برای دست زدن به این اقدام، تأثیری در مسئولیت مستقیم آمریکا در قبال این جنایت و تبعات آن ندارد.» واکنش‌های متناقضی نیز از سوی برخی چهره‌های رسانه‌ای و رسانه‌های تندرو نسبت به این ترور اتفاق افتاد. بخشی از بدنه کارشناسی و رسانه‌ای طیف اصولگرها که در باره ترور شهیدان سلیمانی و فخری‌زاده معتقد به برخورد سخت با عاملان ترور بودند، روز گذشته صحبت خاصی درباره تنبیه عاملان ترور نکردند. روزنامه کیهان روز بعد از ترور محسن فخری‌زاده (شماره ۸ آور ۱۳۹۹) تیتیر «چشم در برابر چشم/ صهیونیست‌ها منتظر باشند» را روی صفحه یک خود داشت؛ اما روز گذشته صرفاً به خبر حمله اسرائیل و شهادت سردار زاهدی اکتفا کرد. برخی از کاربران فضای

او در پاسخ به این سوال که آیا اسرائیل از روی استیصال و نرسیدن به اهدافش در جنگ غزه دست به این اقدام زده است؟ گفت: «این تحلیل‌هایی است که زیرمجموعه اقدامات جوانک ترسو قرار می‌گیرد و می‌خواهند ادعا کنند که موفق هستند به همین دلیل چنین موضوعاتی را مطرح می‌کنند. این تحلیل‌ها در علم روابط و حقوق بین‌الملل اگر منجر به افزایش امنیت ملی یک کشور نشوند، ارزشی ندارد. باید دید که از لحاظ حقوقی و روابطی چه واکنش‌هایی وجود دارد.» از لحاظ حقوقی برخی کشورهای اسرائیل همدردی و حماس را محکوم و اقدام حماس را تروریستی اعلام کرده‌اند اسرائیل را صاحب حق در دفاع مشروع دانسته‌اند. اسرائیل مشروعیتی که برای سرکوب مخالفان در سرزمین‌هایی که اشغال کرده نیاز داشت را به دست آورد. از جنبه روابطی نیز اسرائیل به هدف اعلامی خود که نابودی حماس است، دست پیدا نکرده است.»

ذاکریان اضافه کرد: «اسرائیل نمی‌تواند حماس را نابود کند چراکه حماس یک جریانی است که به صورت گسترده در غزه و کرانه باختری وجود دارد. اسرائیل حماس را ناکارآمد کرده و شانس این گروه برای اینکه بتواند در آینده بین‌المللی به عنوان یک قدرت در مسائل فلسطین حضور پیدا کند، به حداقل رسیده است. به عبارت دیگر اهداف اعلامی اسرائیل حاصل نشده اما اهداف پنهانی مانند بازگشت به غزه، ضعیف کردن حماس و فلسطینی‌ها، گسترش اشغالگری و تعامل با جامعه بین‌المللی با ادعای دفاع مشروع را به دست آورد است. در حقیقت اهدافی که اسرائیل چندین دهه دنبال آن بود را به سادگی در چند ماه به دست آورد.»

این کارشناس مسائل بین‌الملل تأکید کرد: «اسرائیل قدرت سخت خود را بار دیگر در معرض آزمون قرار داد و نتوانسته خال‌های قدرت سخت خود را برطرف کند.» ذاکریان در پاسخ به این سوال که آیا از زمان حمله حماس تا به امروز جایی برای نگرانی درباره امنیت ایران وجود ندارد؟ گفت: «به شدت نگران امنیت ایران هستم. معتقدم جریانی ضدایرانی از زمان شهادت سردار سلیمانی شکل پیدا کرده است. از آن زمان به طور مکرر امیران و سرداران ایرانی یکی پس از دیگری از بین می‌روند. این خطر جدی برای ایران است. نیروی دفاعی ایران را این آدم‌ها تأمین می‌کنند. همان‌طور که برای از دست رفتن و مهاجرت پزشکی، مهندس و افراد متخصص نگران هستیم، به همان اندازه باید برای نیروهای دفاعی ایران نگران باشیم. این نیروها باید برای جغرافیا و مرز ایران آماده باشند اما این افراد را در سوریه، عراق و... از دست می‌دهیم. این حذف فیزیکی به صورت وسیع و دامنه‌دار جریانی نیست که در روابط بین‌الملل به آن سادها نگاه شود. هر کشور دیگری این موضوع را به عنوان خطر و تهدید امنیت ملی تلقی می‌کند. آقایان نگران امنیت ملی بشمار اسد و عراق و افغانستان هستند در حالی که برخی تحولات می‌تواند دیوارهای خانه خودشان (که مرزهاست) را آسیب‌پذیر کند. هشدار جدی و نگرانی درباره مرزهای ایران است و متولیان سیاسی و امنیتی کشور باید این موضوع را جدی بگیرند. یکبار در جریان جنگ تحمیلی این موضوع را تجربه کردیم که اگر نیروهای دفاعی ایران آسیب‌پذیر باشند چه اتفاقی می‌افتد. امروز هم باید نگران باشیم. نیروهای دفاعی ما که وظیفه حراست از مرزهای ایران را دارند، نباید چنین آسیب‌هایی ببینند. این اتفاقات ادامه‌دار، علامت‌های نگران‌کننده‌ای را نشان می‌دهد که باید مورد توجه قرار گیرد.» این استاد دانشگاه درباره درخواست ایران برای تشکیل جلسه شورای امنیت سازمان ملل گفت: «ر جوع به شورای امنیت هم زمانی مؤثر واقع می‌شود که ایران در جامعه بین‌المللی محور صلح و امنیت باشد. ایران هنوز نتوانسته قطعه‌نامه ۲۳۲۱ که مبنای حقوقی و سیاسی برجام است را احیا کند. ایران نتنها روابط متوازن با اعضای دائم و غیردائم شورای امنیت ندارد، بلکه رابطه با روسیه و چین نیز از سر ناچاری است. در چنین وضعی امید به اقدام مؤثر شورا به نفع ایران بعید است.»

نفر به شهادت رسیدند. این حادثه از دو منظر قابل ارزیابی است: ۱- حمله هوایی به مکان دیپلماتیک و ۲- مسئولیت دولت میزبان در عدم ممانعت از حمله به مکان دیپلماتیک. به لحاظ سابقه تاریخی، حمله هوایی به اماکن دیپلماتیک رویدادی است نادر که نمونه‌های آن به بمباران سفارت چین در بلگراد (۱۹۹۹) و بمباران کنسولگری‌های اسلوفونی (۲۰۲۲) و چین (۲۰۲۳) در اوکراین محدود می‌شود و با مواردی چون بمب‌گذاری-مانند بمب‌گذاری در سفارت اردن در بغداد (۲۰۰۳)- و حمله مسلحانه نظیر حمله طالبان به کنسولگری ایران در افغانستان (۱۹۹۸)- متفاوت است. لذا رویه حقوقی بین‌المللی پیرامون آن وجود ندارد. با این وصف، از آنجا که در مقدمه کنوانسیون وین قید شده که «بر مسائلی که در این کنوانسیون به آنها پرداخته نمی‌شود حقوق بین‌الملل عرفی حاکم خواهد بود» لذا